

جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور

فاطمه جواهری^۱، سید حسین سراج‌زاده^۲

چکیده: نوشتار حاضر درصدد است برخی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور را تبیین نماید. به این منظور بخشی از اطلاعات طرح «سنجش گرایش‌ها، رفتار و آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی» که در سال ۱۳۸۰ با یک نمونه ۱۵۲۲ نفری از دانشگاه‌های ایران به انجام رسیده، گزینش شده و با استفاده از روش تحلیل ثانویه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان‌دهنده آن است که ۵۹ درصد از دانشجویان درحد متوسط و ۱۷ درصد در حد زیاد گرایش به مهاجرت به خارج از کشور دارند و فقط ۲۳ درصد از آن‌ها در اندیشه مهاجرت نیستند.

نقش دو متغیر «پایبندی به جامعه ملی» و «دینداری» به‌عنوان عوامل بازدارنده و «نگرش انتقادی نسبت به شرایط کنونی و آتی جامعه» به‌عنوان عوامل ترغیب‌کننده گرایش به مهاجرت، از نظر آماری مورد تأیید قرار گرفت. به‌طورکلی گرایش به مهاجرت در مردان بیش از زنان و در پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا بیش از پایگاه پایین است. به‌منظور شناسایی نقش هم‌زمان کلیه متغیرهای تأثیرگذار از رگرسیون لجستیک اسمی چندگانه استفاده شده است.

کلیدواژه: مهاجرت نیروی متخصص، عوامل ترغیب‌کننده، عوامل بازدارنده.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم

مقدمه

در دوران کنونی اداره امور جامعه به شدت به مهارت‌های تخصصی دانش‌آموختگان دانشگاهی وابسته است. از این رو افراد ماهر، مهم‌ترین سرمایه هر کشور محسوب می‌شوند. دانشجویان که بخش مهمی از نیروی جوان جامعه را تشکیل می‌دهند، پس از کسب مهارت‌های تخصصی، در آینده‌ای نزدیک به بازار کار خواهند پیوست. با وجود این، تعدادی از آن‌ها به عزیمت به خارج از کشور گرایش دارند.

پدیده مهاجرت نیروی متخصص، خاص کشورهای در حال توسعه نیست، بلکه کشورهای توسعه‌یافته نیز با آن مواجه هستند. اما مهاجرت نیروی متخصص برای این دو گروه از جوامع، پیامدهای متفاوتی به همراه دارد. هدر رفتن هزینه آموزش، تضعیف رشد دانش، کاهش قابلیت جامعه برای کاربرد اندوخته‌های علمی در جهت حل مسائل و مشکلات، کاهش اندیشه‌های نو و خلاقانه، تضعیف موجودی سرمایه اجتماعی (اعتماد تعمیم‌یافته و احساس تعلق به جامعه) و تنزل توسعه اقتصادی، از جمله پیامدهای منفی است که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه می‌شوند. علاوه بر این، هر مهاجرت موفقیت‌آمیزی می‌تواند انگیزه مهاجرت را در دیگران تقویت نماید.

در کشورهای پیشرفته خلاً ناشی از خروج نیروهای متخصص توسط مهاجران کشورهای در حال توسعه جبران‌پذیر است، اما این نقصان در کشورهای در حال توسعه به شکل نسبتاً پایدار باقی می‌ماند. برای مثال فقط در سال ۲۰۰۲ تعداد پزشکانی که در آفریقای جنوبی تحصیل کرده و در کانادا مشغول به کار بودند، از ۱۷۴ نفر به ۱۷۳۸ نفر یعنی ۱۰ برابر رسید. در حالی که میزان پولی که از جانب مهاجران به داخل فرستاده شد ۱۰ برابر گذشته نشده است. این در شرایطی است که در زامبیا به خاطر خروج قابل توجه پزشکان، به ازاء هر ۱۰۰ هزار نفر فقط ۷ پزشک وجود دارد (ماندا، ۲۰۰۴: ۷۴).

البته در برابر این آثار منفی، گاهی به برخی پیامدهای مثبت، مانند افزایش سرمایه انسانی افراد مهاجر، امکان بازگشت افراد مهاجر و انتقال تجربیات ایشان به داخل، احتمال بازگشت پول به کشور توسط آن‌ها، کاهش بار تکفل دولت برای ایجاد اشتغال و

محدودشدن امکان تنش‌ها و مخالفت‌های سیاسی حاصل از بیکاری اشاره می‌شود (استارک، ۲۰۰۴).

هر چند در زمینه عوامل مؤثر بر مهاجرت نیروی متخصص به خارج از کشور، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، اما به جهت آثار و پیامدهای قابل ملاحظه‌ای که این پدیده به همراه دارد، مطالعه مجدد آن همچنان حائز اهمیت است. هر یک از پژوهش‌های انجام شده جنبه‌ای از پدیده مورد نظر را شناسایی و معرفی می‌نماید و می‌تواند در اصلاح شرایطی که احتمال ماندگاری سرمایه‌های انسانی را افزایش می‌دهد، مؤثر باشد. نویسندگان این مقاله به نوبه خود کوشیده‌اند تا با استفاده از روش تحلیل ثانویه، برخی از جنبه‌های گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور را معرفی کنند.

پیشینه تحقیق

ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر از مدت‌ها پیش، شاهد خروج نیروهای ماهر خود بوده است. روند تاریخی مهاجرت متخصصان از ایران را می‌توان به سه دوره تفکیک نمود. - دههٔ چهل و پنجاه تا پیروزی انقلاب اسلامی که محصول باز شدن باب مرآده با غرب بوده است؛

- سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ابتدای جنگ تحمیلی که بیشتر طیف ناراضیان از انقلاب اسلامی را شامل می‌شود؛

- دورهٔ جدید که از سال ۱۳۶۷ آغاز شده و در سال‌های اخیر شتاب بیشتری گرفته است (ذاکری صالحی، ۱۳۸۳: ۷۷۶).

گسترش این پدیده با توجه به پیامدهایی که برای کشور دارد، موجب نگرانی اندیشمندان، پژوهشگران و برنامه‌ریزان مختلف شده و به طرق مختلف آن‌ها را به کنکاش دربارهٔ این موضوع ترغیب نموده است.

به‌عنوان نمونه، «دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم» در سال ۱۳۷۹، مجموعه‌ای را تحت عنوان مهاجرت نخبگان فراهم آورد و در آن چند نمونه از گزارش‌های موجود در زمینه مهاجرت متخصصان را گردآوری نمود. «پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی» سال ۱۳۷۹، همایشی تحت عنوان «بررسی مشکلات و چشم‌انداز اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی» برگزار کرد. همچنین گردهمایی دیگری با عنوان «توسعه دانش و فناوری» در آبان ۱۳۸۳، توسط «دانشگاه صنعتی شریف» برگزار شد که در آن برخی از پژوهشگران آراء خود را در زمینه مهاجرت نیروی متخصص مطرح نمودند.

موضوع یاد شده در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا و یا طرح‌های پژوهشی نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. برای مثال، شریفی در پایان‌نامه خود، گرایش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تهران به مهاجرت از کشور را بررسی نموده است. اطلاعات این پژوهش که حاصل مصاحبه با ۱۳۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها است، نظریه اورت لی در مورد تأثیر عوامل رانشی داخلی را تأیید می‌کند (شریفی، ۱۳۷۶). طلوع نیز در مطالعه خود به تفکیک اصطلاح گردش، فرار و جذب مغزها پرداخته و برای تمایز انواع مهاجرت، یک سنخ‌شناسی ارائه نموده است (طلوع، ۱۳۷۹).

نتایج پژوهش دیگری که بین ۴۸۱ نفر از اعضای هیئت علمی دانش‌آموخته خارج از کشور انجام شده، حاکی از آن است که علاوه بر عوامل شغلی (فرصت پیشرفت) و عوامل شخصی (رفاه فردی و خانوادگی)، متغیرهای دیگری مانند آزادی شغلی، آزادی علمی و شرایط اجتماعی - سیاسی بهتر، از جمله عوامل زمینه‌ساز مهاجرت اعضای هیئت علمی است (آراسته، ۱۳۸۰).

عباسی نیز با تکیه بر اطلاعات ۴۲ کشور جهان - ۲۷ کشور فرستنده و ۱۵ کشور دریافت‌کننده مهاجر - به مطالعه پدیده مورد نظر پرداخته است. یافته‌های او نشان می‌دهد، چهار متغیر سطح کیفی زندگی، دموکراسی، توسعه فرهنگی و درآمد، قدرت پیشگویی عضویت افراد در دو گروه مهاجر و غیر مهاجر را دارد. در سطح کلان نیز تعیین‌کننده‌های

اقتصادی، سطح توسعه فرهنگی و دموکراسی بر میزان جذب و دفع نیروی کار ماهر تأثیر می‌گذارد (عباسی، ۱۳۸۲).

طوسی با محاسبه تعداد فارغ‌التحصیلان ایرانی شاغل در خارج از کشور و استنباط‌های آماری انجام شده، نقش برخی از پارامترهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را بر روند مهاجرت مغزها بررسی نموده است. یافته‌های وی نشان می‌دهد، مجموعه‌ای از عوامل، مانند کم‌بودن ظرفیت جذب اقتصادی کشور مبدأ، خریدار داشتن مهارت‌های نخبگان در بازار کشورهای توسعه‌یافته و عدم سلامت فضای سیاسی کشور مبدأ، در تعیین الگوی مهاجرت مؤثر هستند (طوسی، ۱۳۸۰).

مروری بر آثار یاد شده نشان‌دهنده این واقعیت است که آثار پیشین در چند گروه قابل طبقه‌بندی هستند. تعدادی از آن‌ها صرفاً با تکیه بر دیدگاه‌های نظری به بررسی موضوع مهاجرت متخصصان پرداخته‌اند. گروه دوم، شامل بیان یافته‌هایی است که برگرفته از پژوهش‌های میدانی است. این قبیل آثار، بیشتر مهاجرت اعضای هیئت علمی و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را محور کار قرار داده است. گروه سوم شامل مطالعاتی است که به بررسی آماری میزان مهاجرت نیروی ماهر ایران و مقایسه آن با وضعیت سایر کشورها اختصاص دارد.

همان‌طور که ملاحظه شد، در بین آثار پژوهشی یادشده، بررسی گرایش افرادی که در حال حاضر دانشجوی هستند و در آینده به جرگه نیروی کار متخصص و ماهر خواهند پیوست، کمتر مورد عنایت قرار گرفته است. از این رو مقاله حاضر جزء معدود پژوهش‌هایی است که به ارزیابی گرایش دانشجویان به مهاجرت پرداخته است.

چارچوب مفهومی و نظری

مفاهیم - شغل و الزامات مربوط به آن، جنبه‌های خصوصی و اجتماعی زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قابلیت یک شغل در فراهم آوردن درآمد، منزلت و رشد نشان‌دهنده

اهمیت آن است، به طوری که یافتن شغل مطلوب حتی فرد را به جستجوی کار در خارج از مرزهای کشور خود سوق می دهد.

این قبیل جابه جایی ها که از آن ها تحت عنوان «مهاجرت» یاد می شود، شامل حرکت دائمی افراد یا گروه ها از مرزهای نمادی یا سیاسی به سوی اقامتگاه ها و اجتماعات جدید است (مارشال، ۱۹۹۴: ۳۲۰).

مهاجرت دارای انواع متفاوت داخلی یا بین المللی، اجباری یا اختیاری، فردی یا گروهی، قانونی یا غیرقانونی و دائمی یا موقتی است. علاوه بر این، امروزه کیفیت نیروی مهاجرت کننده نیز به عنوان یک معیار طبقه بندی مهاجرت در نظر گرفته می شود و اغلب از مهاجرت افراد ماهر متخصص تحت عنوان «مهاجرت مغزها» یاد می شود. در واقع منظور از مغز، نیروی انسانی دارای کیفیت برتر است. انواع مهاجرت مغزها به ترتیب زیر است.

- سرریز شدن مغزها^۱ عبارت است از شرایطی که در نتیجه تولید زیاد یا استفاده اندک از مغزها، برخی از آن ها یا به طور کامل جذب نشده اند یا به صورت مازاد مانده اند. از طرف دیگر، به خاطر فقدان تقاضای مؤثر یا عرضه بیش از حد، ممکن است چنین مغزهایی سرریز شده و جذب بازارهای خارجی شوند. در بسیاری از کشورهای کم توسعه یافته به دلیل فقدان برنامه در حوزه تعلیم و تربیت و سطح نازل فرصت های شغلی، به کارگیری نیروی کار ماهر به تعویق می افتد. امروزه در بسیاری از کشورهای کم توسعه یافته - و به طور خاص در کلمبیا، چین، هند، ایران، نیجریه، پاکستان، فیلیپین و کره جنوبی - مشکل تحصیل کرده های بیکار که مبنای سرریز شدن مغزها است، وجود دارد.

- صدور مغزها^۲ در شرایطی رخ می دهد که یک کشور نیروی متخصص خود را صادر می کند و در برابر آن، پیوسته میزان مشخصی پول دریافت می کند.

- مبادله مغزها^۳ زمانی صورت می گیرد که به منظور بهره مندی دو جانبه از دانش، مهارت و آموزش نیروی متخصص، میان کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای

1. Brain overflow
2. Brain export
3. Brain exchange

توسعه‌یافته، مبادله دانشمندان، محققان و دانشجویان جریان پیدا می‌کند. در این فرایند از دست دادن مغزها به‌وسیله جذب مغزهای هم‌تراز با آن جبران می‌شود.

- فرارمغزها^۱ به معنای جریان یک‌طرفه مهاجرت مستمر افراد ماهر از کشورهای کمتر توسعه‌یافته به کشورهای توسعه‌یافته است (قاش و قاش، ۱۹۸۳: ۲۴-۲۷).

نظر به این‌که تعداد قابل توجهی از دانشجویان در آینده - نه اکنون - به نیروی ماهر و متخصص تبدیل خواهند شد، گرایش دانشجویان به خروج از کشور را با تسامح می‌توان در چارچوب مفهومی مهاجرت مغزها مورد مطالعه قرار داد.

اصطلاح دیگری که لازم است در ارتباط با تمایل به مهاجرت، فضای مفهومی آن مشخص شود، واژه «گرایش» است. گرایش^۲، آمادگی فکری، عاطفی و رفتاری برای انجام یک کار خاص است. در واقع گرایش به معنای ارزیابی پایدار از ابعاد مختلف دنیای اجتماعی است (بارون، ۱۹۹۷: ۱۱۲). واقعیات جهان پیرامون اساساً زمانی به عامل تأثیرگذار بر انتخاب‌های فردی تبدیل می‌شود که در قلمرو گرایش وارد شود و در قضاوت و ارزیابی انسان نفوذ پیدا کند (فیسک و تیلور، ۱۹۹۱: ۴۶۲). هر چند که گرایش عاملی ذهنی است اما دارای تأثیری عینی و واقعی است. با عنایت به این ویژگی، جامعه‌شناسان از طریق سنجش گرایش‌های اعضای جامعه، به توصیف و پیش‌بینی رفتار آن‌ها و برنامه‌ریزی در مورد آن می‌پردازند.

نظریه‌ها- در زمینه تبیین عوامل مؤثر بر مهاجرت نیروی متخصص نظریه‌های متفاوتی مطرح است که به برخی از آن‌ها به‌طور خلاصه اشاره می‌شود.

برخی از نظریه‌پردازان از یک منظر کلی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، بر اساس دیدگاه طرفداران نظریه نظام جهانی شامل والرشتاین (۱۹۷۴)، نکا (۱۹۹۴) و پان‌چز (۱۹۹۲)، نظام سرمایه‌داری نیازمند انباشت سرمایه است و این هدف موجب

-
1. Brain drain
 2. Attitude

جذب منابع کشورهای پیرامون به مرکز می‌شود. فرایند فرار مغزها نیز بخشی از فرایند انباشت سرمایه محسوب می‌شود. ناموزونی در انباشت سرمایه، درجه توسعه و تجمع قابلیت فناوری، تراکم سرمایه انسانی برای کشور میزبان را به همراه دارد (استرابهر، ۲۰۰۰: ۱۴ به نقل از عباسی، ۱۳۸۲: ۷۱).

جریان از مرکز به پیرامون، شامل انتقال سرمایه، کالا، تقسیم کار کارگاهی، مدیریت تولید، ارزش و قواعد هنجاری و تکنولوژی است. بالعکس، جریان از پیرامون به مرکز، شامل انتقال سرمایه به شکل سود، بهره و ربایش مواد اولیه و نیروی کار ماهر و غیر ماهر است و این جریان ورودی و خروجی در بستر روابط نامتقارن صورت می‌گیرد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲۰).

نظریه سرمایه انسانی که در دهه ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت به کار گرفته شد، بر آن است که نیروی انسانی پرورده از جایی به جایی دیگر می‌رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد. تصمیم‌گیری افراد متخصص به کوچ، به مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود (ارشاد، ۱۳۸۳: ۳۶۷-۳۶۶).

نظریه محرومیت نسبی که توسط منگالام و شوارز ولر ارائه شده، بیانگر آن است که احساس محرومیت از ارزش‌ها و امور مطلوب، تحت شرایط خاصی، موجب مهاجرت می‌شود. اول این‌که این محرومیت باید به مثابه محرومیت از هدف‌های بسیار ارزشمند باشد. دوم آن‌که موانع موجود برای رسیدن به این هدف‌ها باید ذاتی نظام محلی باشد تا محرومیت به عامل مهاجرت تبدیل شود. در نهایت باید فرد احساس کند که منابع لازم برای رفع محرومیت‌هایش در خارج از سازمان اجتماعی او قرار دارد (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۳۶).

مهاجرت نیروی متخصص غیر از عوامل اقتصادی و سیاسی، تحت تأثیر مناسبات موجود در نهاد علم نیز می‌باشد. قانعی راد، با تکیه بر چارچوب مفهومی AGIL پارسونز، رابطه میان نهاد علم و نظام اجتماعی را بررسی کرده است. از نظر او ضریب نهادمندی علم با ضریب ماندگاری نخبگان رابطه مستقیم دارد. توانایی نهاد علم برای ایجاد انگیزش و

هنجار، سازگاری دانش با محیط بیرونی خود، انسجام و یکپارچگی درونی و ظرفیت دستیابی به اهداف، معرف ضریب نهادمندی علم است. در کشورهای توسعه نیافته که ضریب نهادمندی علم ضعیف است، احتمال خروج نخبگان افزایش می یابد (قناعی راد، ۱۳۸۱).

نتیجه یک نظرسنجی از دانشجویان اروپایی ساکن آمریکا، نتایج یاد شده را تأیید می کند. بر اساس یافته های این پژوهش، حدود ۷۰ درصد دانشجویان (به استثناء آلمانی ها) اظهار کرده اند که ترجیح می دهند پس از اتمام دوره دکترا، در آمریکا بمانند. آنان در این مورد به دلایلی، مانند وجود مراکز پژوهشی پیشرفته، ساختار شغلی باز و انعطاف پذیر، فرهنگ کارآفرینی قوی، معیارهای زندگی بالا و کیفیت زندگی برتر اشاره کرده اند (باش، ۲۰۰۳: ۲۲۱۰).

همان طور که بررسی نظریات یاد شده نشان می دهد، در این دیدگاه ها اغلب نقش یک عامل به عنوان متغیر شکل دهنده یا تداوم بخش مهاجرت مورد تأکید قرار گرفته است. در مقابل، برخی متفکران کوشیده اند تا در چارچوب یک نگرش نظام یافته، نقش عوامل متعدد را به موازات یکدیگر مورد بررسی قرار دهند.

به عنوان نمونه، مارک پارتول با الهام از دیدگاه های رایج، مجموعه ای از عوامل متداخل در سطح کلان، میانی و خرد را در یکدیگر ادغام نموده است. از نظر او، در سطح کلان، تفاوت سطح توسعه مناطق مبدأ و مقصد، در سطح میانی، نظم های الگودار در فرآیند مهاجرت بر اساس شرایط اقتصادی - اجتماعی موجود در مناطق مبدأ و مقصد و در سطح خرد، عواملی که مهاجران را به ترک منطقه خود سوق می دهند، قابل طرح است (پارتول، ۱۹۹۳: ۷۲).

- عوامل مربوط به سطح کلان: نابرابری در الگو و فرآیند توسعه، زمینه ای است که بسیاری از مهاجرت های جهان سوم را می توان در چارچوب آن مطالعه نمود. تفاوت های اقتصادی ملت ها زمینه ساز بخش قابل ملاحظه ای از حرکات بین المللی جمعیت از

کشورهای جهان سوم است. مهاجرت موجب می‌شود منابع انسانی کشورهایایی که نیروی کار آن‌ها فراوان و دارای بازدهی اندک است، به شیوه‌ای مولد در راستای تأمین نیاز کشورهاییی به کارگرفته شود که فرآیند توسعه آن‌ها به دلیل کمبود نیروی کار با مانع روبه‌رو شده است. اما نابرابری ثروت میان ملت‌ها، به خودی خود حرکات بزرگ و غیر قابل اجتناب مهاجران را به همراه نمی‌آورد. این مهاجرت‌ها عمدتاً به قابلیت کشورهای مبدأ برای تأمین نیروی کار مهاجر و نیز به توانایی جذب کشور میزبان بستگی دارد. همچنین، این مهاجرت‌ها به خط مشی دولت در مورد آزادی حرکت مهاجران در مرزها وابسته است (همان: ۷۳).

- عوامل مربوط به سطح متوسط: چشم‌انداز ساختی سطح کلان، از این نظر که گرایش دارد مهاجران را موجوداتی همانند و بی‌شکل در نظر آورد که گویی گزینه‌ای جز مهاجرت ندارند، با محدودیت مواجه است. این رویکرد برای تبیین این‌که چرا بعضی از افرادی که دارای شرایط یکسانی هستند در موطن خود می‌مانند، توانایی اندکی دارد. بنابراین، عدم تعادل‌های ساختاری به خودی خود برای تبیین مهاجرت کافی نیست. برای وقوع مهاجرت، لازم است این عدم تعادل‌ها مستقیماً در زندگی روزمره مردم وارد شود و آن‌ها بخواهند که از فرصت‌ها و امکاناتی که مهاجرت به‌طور بالقوه در اختیارشان می‌گذارد، بهره‌مند شوند. در مورد اهمیت عوامل سطح میانی، یعنی عواملی که بر تصمیم‌گیری مردم در مورد مهاجرت تأثیر می‌گذارد، مدل اورت‌لی^۱ مناسب است. به نظر لی، مهاجرت تحت تأثیر عوامل مثبت، منفی و یا خنثی که در محل اقامت فرد مهاجر و مناطق بالقوه مقصد وجود دارد، رخ می‌دهد. به زبان ساده، هنگامی که اثر شرایط منفی در مبدأ و یا اثر شرایط مثبت در مقصد، بیش از اثر شرایطی باشد که فرد را به موطنش دل بسته می‌کند و یا مانع مهاجرت او می‌شود، احتمال وقوع مهاجرت افزایش می‌یابد. تعادل نسبی شرایط مثبت و منفی نه تنها بر وقوع مهاجرت بلکه بر جهت حرکت هم تأثیر می‌گذارد؛ به‌طوری که جریان‌های مهاجرت به سمت مناطق جذاب‌تر معطوف می‌شود (همان: ۷۵-۷۶).

1. Everett S. Lee

از نظر لی، عوامل تقویت‌کننده مهاجرت باید به صورت بارز و ملموس بر عوامل منفی برتری داشته باشند. زیرا مردم به‌طور طبیعی نسبت به قطع رابطه با محیط آشنای موطن خود بی‌میل هستند. نکته مهم دیگری که او مطرح می‌کند این است که اطلاعات افراد از شرایط موطن خود همیشه کامل‌تر و قابل اعتمادتر از اطلاعات آن‌ها درباره موقعیت‌های احتمالی در مقصد است. زیرا اطلاعات آنان درباره مقصد، اغلب مبتنی بر منابع دست دوم، مثل رسانه‌ها و مهاجرانی است که به وطن بازگشته‌اند. از این رو ممکن است این اطلاعات ناقص و غیر دقیق باشد. عامل دیگری که بر مهاجرت افراد تأثیر می‌گذارد، موانع مداخله‌گر، مانند هزینه سفر، فاصله فضایی و فرهنگی مکان‌ها، دلبستگی به خانواده، نگرانی‌های فردی، فقدان اطلاعات درباره شرایط و فرصت‌های دیگر و محدودیت‌های حکومت برای جابه‌جایی است. این قبیل مشکلات برای کسانی که قادر هستند به وسیله پول، ارتباط و شایستگی‌های خود بر این موانع غلبه کنند، کم‌اهمیت است ولی همه نمی‌توانند بر این محدودیت‌ها غلبه کنند (همان: ۷۸).

- عوامل سطح خرد: انتقادی که بر تفسیرهای سطح میانی مهاجرت وارد است این است که آن‌ها مهاجرت را واکنش انفعالی به انواع محرک‌ها می‌دانند. در حالی که اگر به مهاجرت به عنوان یک تصمیم‌گیری در سطح فرد یا خانوار نظر شود، رویکرد سطح کلان و متوسط دیدگاهی خام و بیش از حد ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد. در واقع، حتی دو نفر هم دارای شرایط یکسانی نیستند. تفاوت افراد از نظر درآمد، آموزش، دلبستگی به خانواده، ارتباط با مناطق دیگر و میزان اطلاع از آن‌جا و بسیاری از متغیرهای دیگر، ممکن است بر تصمیم‌گیری آنان مؤثر باشد. تحت تأثیر این عوامل، برخی، اقدام به مهاجرت می‌کنند و گروهی می‌مانند. آن‌ها که می‌روند، اغلب جوان‌تر، تحصیل‌کرده‌تر، نوآورتر و پویاتر هستند. در نتیجه، گزینشی بودن فرایند مهاجرت ممکن است به فرار مغزها بیانجامد. در نهایت، تصمیم به مهاجرت بیشتر به شخصیت، آرزومندی، جاه‌طلبی، نگرش‌ها و انگیزه افراد بستگی دارد (همان: ۹۴-۹۷).

یکی از رایج‌ترین نظریاتی که در تحلیل پدیده مهاجرت نیروهای متخصص نیز به کار گرفته می‌شود، نظریه جاذبه و دافعه^۱ است. بر اساس مفروضات این نظریه، عوامل جاذبه یا برانگیزنده شامل نیروهایی مانند آینده اقتصادی (کار و درآمد) بهتر، رفاه بیشتر (سطح بالاتری از کیفیت زندگی)، فرصت‌های بیشتر برای آموختن (آموزش و پژوهش) و برخورداری از آزادی اندیشه است که مردم را به سرزمین‌های جدید جذب می‌کند. عوامل دافعه یا مانع‌شونده شامل نیروهایی مانند اقتصاد توسعه‌نیافته (فقدان شرایط کاری رضایت‌بخش، اشتغال ناکافی و سطح نازل درآمدها)، فقدان سنت علمی و پژوهشی، عدم ثبات سیاسی (فقدان آزادی) و تبعیض در انتصاب‌ها و ارتقاءها است (قاش و قاش، ۱۹۸۳: ۳۸-۳۹).

تأمل در دیدگاه‌های یادشده بر چند واقعیت دلالت دارد. اول آن‌که مهاجرت تحت تأثیر یک عامل واحد شکل نمی‌گیرد بلکه شکل‌گیری این فرایند حاصل به هم پیچیدگی عوامل متعدد است. دیگر آن‌که مهاجرت به عنوان یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های انسان، در چارچوب یک انتخاب عقلانی و هدفمند به انجام می‌رسد. در واقع گرایش به مهاجرت از خلال ارزیابی منافع و هزینه‌های آن ساخته و پرداخته می‌شود. بنابراین با تکیه بر نظریه اورت‌لی عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت به خارج از کشور را می‌توان در چارچوب‌های زیر مورد بررسی قرار داد.

- خصوصیات و ویژگی‌های شخصی؛

- عوامل برانگیزنده و بازدارنده موجود در مبدأ؛

- عوامل برانگیزنده و بازدارنده موجود در مقصد.

بر این اساس، سه گمانه را برای بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت می‌توان مطرح نمود.

- خصوصیات و ویژگی‌های شخصی افراد در گرایش آنان به مهاجرت از کشور تأثیر دارد.

1. Pull & Push Theory

- نگرش انتقادی به شرایط فعلی یا آتی جامعه - به عنوان عامل برانگیزنده داخلی -
گرایش به مهاجرت به خارج از کشور را تقویت می کند.
- برخورداری از یک هویت ملی قوی - به عنوان عامل بازدارنده داخلی - گرایش به
مهاجرت از کشور را کاهش می دهد.

روش شناسی

اطلاعات این نوشتار برگرفته از یافته های طرح «سنجش گرایش ها، رفتار و آگاهی های دانشجویان دانشگاه های دولتی» است. مطالعه یاد شده بر اساس یک نمونه ۱۵۲۲ نفره از دانشجویان دختر و پسر در نیم سال اول سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ در ۲۰ دانشگاه تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اجرا شده است. پرسش نامه این طرح عمده ترین گرایش ها، رفتارها و آگاهی های دانشجویان در حوزه های جمعیتی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در بر می گیرد.

اهمیت موضوع مهاجرت نیروی ماهر، نویسندگان این مقاله را بر آن داشت تا با تکیه به برخی اطلاعات قابل دسترس در طرح پژوهشی مورد نظر، جنبه هایی از گرایش دانشجویان به مهاجرت را تبیین نمایند. به این منظور از روش تحلیل ثانویه^۱ استفاده شده است. در این روش، محقق از اطلاعاتی استفاده می کند که قبلاً در پژوهشی دیگر و متناسب با اهدافی دیگر گردآوری شده است (باگتی و مونتگمری، ۲۰۰۰: ۳۲۷).

تعریف عملیاتی مفاهیم و متغیرها- متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش به ترتیب زیر اندازه گیری شده اند.

- گرایش به مهاجرت: از آن جا که دانشجویان مورد پرسش این تحقیق، در زمان تحقیق در آستانه تصمیم گیری برای اقدام به مهاجرت نبوده اند، موضوع گرایش به مهاجرت با

1. Secondary Analysis

عطف به شرایط آتی بررسی شده است. در واقع گرایش افراد بر اساس انگیزه آن‌ها اندازه‌گیری شده است. منظور از انگیزه، حالت یا وضعیت درونی است که رفتار فعلی انسان را به سوی کسب هدف هدایت می‌کند (میچل، ۱۹۸۱: ۱۲۹).

گرایش به مهاجرت با این پرسش که «فرض کنید پس از تحصیل امکان اشتغال و اقامت در کشور دیگری برای شما وجود داشته باشد، در این صورت چه تصمیمی خواهید گرفت»، ارزیابی شده است.

- خصوصیات فردی و شخصی پاسخ‌گویان شامل جنس، رشته تحصیلی، قومیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (ترکیب منزلت شغلی، میزان تحصیلات و درآمد پدر) و علاقه به ادامه تحصیل در خارج از کشور است.

علاقه دانشجویان به ادامه تحصیل در خارج با این سؤال که «برای ادامه تحصیل ترجیح می‌دهید در ایران بمانید یا به خارج از کشور بروید» بررسی شده است.

- در زمینه عوامل برانگیزنده، دیدگاه دانشجویان در مورد وضعیت آتی اقتصاد جامعه، نگرش دانشجویان به نظام سیاسی و نگرش به نابسامانی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

- دیدگاه دانشجویان در مورد وضعیت آتی اقتصاد جامعه با دو معرف ارزیابی از افزایش تورم و بیکاری و امکان توسعه صنعتی کشور در آینده اندازه‌گیری شده است.

- نگرش دانشجویان به نظام سیاسی با سه معرف مقبولیت سیاسی نظام، رضایت از عملکرد نهادهای سیاسی و ناامیدی از آینده سیاسی اجتماعی جامعه مورد بررسی قرار گرفت.

مقبولیت سیاسی به وسیله پرسش از اهمیت نظام جمهوری اسلامی (بر اساس یک طیف پنج قسمتی از «خیلی اهمیت دارد» تا «اصلاً اهمیت ندارد») محاسبه شده است. اهمیت بیشتر نشانه مقبولیت بیشتر نظام است.

شاخص نارضایتی از نهادهای حکومتی بر اساس جمع نمرات (۵-۱) نظرات پاسخ‌گویان از عملکرد ۱۶ نهاد و سازمان مختلف ساخته شده است. ضریب آلفای کرونباخ این شاخص ۰/۸۰ است.

شاخص نگرش به آینده سیاسی کشور بر اساس جمع نمرات (۵-۱) ارزیابی افراد از ۶ عبارت که نشان‌دهنده دیدگاه پاسخ‌گویان درباره موضوعاتی مانند استقرار نظم، ثبات، حاکمیت قانون و آرامش در آینده می‌باشد، تشکیل شده است. ضریب آلفای کرونباخ این شاخص ۰/۷۵ است.

- نگرش به نابسامانی اجتماعی یا به عبارت دیگر اعتقاد به نبودن تعادل و آشفتگی اجتماعی از جمع نمرات (۵-۱) چند گویه که به موضوعاتی مانند ارزش‌های مادی، ارزش‌های انسان‌دوستانه، قانون‌گرایی، نسبت وسیله و هدف و شکاف طبقاتی مربوط می‌شود، به دست آمده است. ضریب آلفای کرونباخ این شاخص ۰/۷۲ است. بر اساس قرارداد تحقیق، نمره بیشتر به معنای اعتقاد به وجود آشفتگی و نابسامانی بیشتر است.

- در زمینه عوامل مانع‌شونده، متغیر هویت جمعی، مورد بررسی قرار گرفته است.

- هویت جمعی: برخورداری از یک هویت جمعی قوی به عنوان یک عامل بازدارنده داخلی، می‌تواند گرایش به مهاجرت را کاهش دهد. هویت جمعی معرف حوزه و قلمروی از حیات جمعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق، منتسب و مدیون به آن می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند (عبداللهی، بی تا: ۶۳). هویت ملی به عنوان یکی از انواع هویت جمعی از عناصری مانند سرزمین تاریخی، اسطوره‌های مشترک و خاطرات تاریخی، فرهنگ توده، اقتصاد، حقوق و قوانین مشترک برای کلیه اعضاء تشکیل شده است. تمام این وجوه اشتراک، به طور اجتناب‌ناپذیری عدم پیوند با گروه‌های دیگر را مفروض می‌دارد (دیکینک، ۱۹۹۶: ۱۱).

هویت ملی بر اساس سه معیار آمادگی برای جنگیدن برای کشور (بله، خیر، نمی‌دانم)، افتخار به ایرانی بودن (از «اصلاً افتخار نمی‌کنم» تا «بسیار افتخار می‌کنم») و پایبندی دینی

ارزیابی شده است. شاخص پابندی دینی با تلفیق ۲۰ گویه و سؤال مختلف که ضریب آلفای کرونباخ آن‌ها ۰/۸۰ بوده، ساخته شده است.

نظر به این که اطلاعات مربوط به ارزیابی دانشجویان از عوامل برانگیزنده و مانع‌شونده مربوط به کشور مقصد در پژوهش اصلی موجود نیست، نویسندگان پیشاپیش می‌پذیرند که با تکیه بر اطلاعاتی که در دسترس آن‌ها است، نمی‌توانند به ارائه تحلیلی جامع و کامل از علل گرایش دانشجویان به مهاجرت بپردازند. با وجود این، انتظار می‌رود همین حد از اطلاعات، بخشی از ابعاد موضوع مورد نظر را تبیین نماید.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات مربوط به خصوصیات فردی پاسخ‌گویان، گرایش به مهاجرت، عوامل برانگیزنده و مانع‌شونده داخلی گزارش می‌شود. سپس تعامل میان متغیرها مورد آزمون قرار می‌گیرد.

خصوصیات فردی - ۴۳ درصد از دانشجویان نمونه تحقیق زن و ۵۷ درصد مرد هستند. میانگین سنی آن‌ها ۲۱/۶ سال است. ۸۷ درصد از دانشجویان مجرد و مابقی متأهل هستند. ۶۴ درصد جمعیت به قومیت فارس، ۱۶ درصد به قومیت ترک و ۲۰ درصد باقی‌مانده به قومیت‌های دیگر تعلق دارند. ۳۶ درصد پاسخ‌گویان در رشته فنی مهندسی، ۲۱/۵ درصد در رشته‌های علوم پایه، ۳۶ درصد در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی و ۶/۵ درصد در رشته کشاورزی و محیط زیست تحصیل می‌کنند. از نظر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ۵۳ درصد از پاسخ‌گویان دارای خانواده‌های سطح متوسط، ۳۴ درصد دارای خانواده سطح پایین و ۱۲ درصد از آن‌ها دارای خانواده سطح بالا هستند.

۴۸/۵ درصد از دانشجویان نمونه تحقیق بیان کرده‌اند که ترجیح می‌دهند در ایران به تحصیل خود ادامه دهند؛ ۱۱/۵ درصد نمی‌توانستند در این مورد نظر خاصی بدهند و حدود ۴۰ درصد از آنان خارج از کشور را انتخاب کرده‌اند.

جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت

علاقه به ادامه تحصیل در خارج از کشور از دو جهت با موضوع گرایش به مهاجرت مرتبط است. انگیزه‌ها و منافع علمی یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت به خارج از کشور است. اما گاهی انگیزه افراد جهت تحصیل در خارج به منظور کسب تجربه کاری در کشورهای توسعه‌یافته است و این امر مترادف با تابعیت‌جویی است. اگر دانشجویان با این هدف به خارج بروند که چشم اندازهای مهاجرت را بررسی کنند یا از کنترل‌های شخصی و سیاسی بگریزند، احتمال اقامت دائمی آن‌ها بیشتر می‌شود (عسگری و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۵۸).

گرایش به مهاجرت - جدول ۱، گرایش به مهاجرت در بین پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد.

جدول ۱. «اگر پس از فراغت از تحصیل امکان اشتغال و اقامت در کشور دیگری برای‌تان پیش بیاید، در این صورت چه تصمیمی خواهید گرفت؟» (تعداد پاسخ‌گو=۱۵۲۲)

درصد		فراوانی	طبقات پاسخ‌ها
گرایش ضعیف ۲۳/۷	۲۳/۷	۳۳۹	حتی‌الامکان نخواهم رفت
گرایش متوسط ۵۸/۵	۲۱/۰	۳۰۰	بستگی دارد به کشورش
	۲۰/۰	۲۸۶	در صورت عدم وجود شغل مورد علاقه در کشور، می‌پذیرم
	۵/۵	۷۸	در صورت بیکاری می‌پذیرم
	۱۲/۰	۱۷۲	نمی‌دانم
گرایش قوی ۱۷/۸	۱۷/۸	۲۵۴	بدون درنگ می‌پذیرم
-	-	۹۳	بدون پاسخ

حدود ۲۴ درصد از پاسخ‌گویان در برابر استفاده از فرصت‌های شغلی خارج از کشور ایستادگی کرده و اظهار کرده‌اند که حتی‌الامکان به خارج نمی‌روند. ۱۸ درصد از دانشجویان بدون درنگ اشتغال در خارج از کشور را می‌پذیرند و ۱۲ درصد از آن‌ها بیان کرده‌اند که اکنون قادر به تصمیم‌گیری در این مورد نیستند. ۴۶ درصد از پاسخ‌گویان مهاجرت را به شرایط مختلفی مانند مشخص شدن کشور، وجود شغل مورد علاقه و اطمینان از بیکار ماندن در داخل موکول کرده‌اند. اگر دو گروه اخیر در یکدیگر ادغام شوند، می‌توان گفت در مجموع ۵۸ درصد از افراد در صورت رفع موانع ذهنی ممکن است به خیل علاقه‌مندان استفاده از فرصت‌های شغلی موجود در خارج از کشور بپیوندند.

عوامل برانگیزنده و مانع‌شونده داخلی - اطلاعات مربوط به عوامل برانگیزنده و مانع‌شونده مهاجرت در جدول ۲ نشان می‌دهد، ۸۱ درصد از پاسخ‌گویان معتقدند در آینده میزان بیکاری و تورم افزایش خواهد یافت. اما در مورد آینده صنعت کشور میزان خوش‌بینی بیشتر است، زیرا ۷۳ درصد از افراد معتقدند وضعیت آینده صنعت جامعه بهتر می‌شود. ۶۴ درصد از افراد از عملکرد نهادهای حکومتی در حد متوسط راضی هستند. ۲۷ درصد از پاسخ‌گویان وضعیت جامعه را از نظر اجتماعی در حد زیادی نابسامان می‌دانند. ۷۳ درصد از دانشجویان نمونه تحقیق میزان ثبات سیاسی را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند و ۵۴ درصد از پاسخ‌گویان معتقدند نظام سیاسی جامعه در حد زیاد از مقبولیت برخوردار است.

در مقایسه با عوامل ترغیب‌کننده، عوامل بازدارنده مهاجرت به شکل قوی‌تری نمایان شده‌اند. به این معنا که ۵۴ درصد از پاسخ‌گویان اظهار نموده‌اند که آمادگی دارند برای کشور خود بجنگند، ۸۷ درصد از آنان به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند و در نهایت حدود ۷۸ درصد از پاسخ‌گویان در حد زیادی دارای پایبندی‌های دینی هستند.

جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت

جدول ۲. عوامل داخلی برانگیزنده و مانع شونده مهاجرت (تعداد پاسخگو=۱۵۲۲)

متغیرها	طبقات	فراوانی	درصد	جمع
وضعیت بیکاری و تورم در آینده	بیشتر می شود	۱۰۵۷	۸۱/۷	۱۲۹۵
	تغییری نمی کند	۱۹۷	۱۵/۲	
	کمتر می شود	۴۰	۳/۱	
نگرش به آینده صنعت کشور	بد تر می شود	۱۳۳	۱۰/۱	۱۳۰۹
	تغییری نمی کند	۲۳۳	۱۷/۷	
	بہتر می شود	۹۴۳	۷۲/۲	
ثبات سیاسی کشور در آینده	کم	۱۰۱	۷/۹	۱۲۸۰
	متوسط	۹۲۲	۷۲/۰	
	زیاد	۲۵۷	۲۰/۱	
مقبولیت سیاسی نظام	کم	۲۶۲	۱۸/۳	۱۴۲۷
	متوسط	۳۹۸	۲۷/۴	
	زیاد	۷۸۱	۵۴/۴	
رضایت از عملکرد نهادهای حکومتی	کم	۱۲۳	۱۳/۸	۸۸۹
	متوسط	۵۷۰	۶۴/۲	
	زیاد	۱۹۶	۲۲/۰	
وجود نابسامانی اجتماعی	کم	۲۴۸	۱۷/۴	۱۴۲۸
	متوسط	۷۹۲	۵۵/۵	
	زیاد	۳۸۸	۲۷/۱	
آماده جنگیدن برای کشور	خیر	۲۵۰	۱۷/۰	۱۴۵۸
	نمی دانم	۴۲۲	۲۹/۰	
	بله	۷۸۶	۵۴/۰	
افتخار به ایرانی بودن	کم	۳۸	۲/۳	۱۴۲۳
	متوسط	۱۵۹	۱۱/۲	
	زیاد	۱۲۲۶	۸۶/۵	
پایبندی دینی	کم	۲۰	۱/۶	۱۳۰۰
	متوسط	۲۶۴	۲۰/۶	
	زیاد	۹۹۶	۷۷/۸	

خصوصیات فردی و گرایش به مهاجرت- در جدول ۳، رابطه خصوصیات فردی پاسخ‌گویان با گرایش به مهاجرت بررسی شده است. اطلاعات به‌دست آمده حاکی از آن است که از بین خصوصیات فردی پاسخ‌گویان، جنس، پایگاه طبقاتی و علاقه به ادامه تحصیل در خارج از کشور با گرایش به مهاجرت همبستگی دارد. اما قومیت و رشته تحصیلی با گرایش به مهاجرت رابطه‌ای ندارد.

جدول ۳: بررسی رابطه خصوصیات فردی با تمایل به مهاجرت (تعداد پاسخ‌گو=۱۵۲۲)

میزان همبستگی و شدت معناداری	خصوصیات فردی پاسخ‌گویان
$V=۰/۱۴***$ (N=۱۴۱۰)	جنس (زن، مرد)
$V=۰/۰۳$ (N=۱۳۷۰)	قومیت (فارس، ترک، سایر اقوام)
$r=-۰/۱۳***$ (N=۱۱۱۲)	شاخص پایگاه اجتماعی اقتصادی
$V=۰/۰۴$ (N=۱۳۸۳)	رشته تحصیلی (فنی مهندسی، علوم پایه و کشاورزی، علوم انسانی و اجتماعی)
$Tc=-۰/۲۹***$ (N=۱۲۰۲)	تمایل به ادامه تحصیل در خارج از کشور (بله، نمی‌دانم، خیر)

(***P < ۰/۰۰۱, **P < ۰/۰۱, * P < ۰/۰۵)

به‌منظور تشریح دقیق‌تر رابطه جنس، پایگاه و محل مطلوب تحصیل با گرایش به مهاجرت، برخی از نتایجی که از طریق جداول تقاطعی به‌دست آمده و در قسمت پیوست، ضمیمه شده است، به‌طور خلاصه گزارش می‌شود.

- جنس: مردها بیش از زن‌ها گرایش به مهاجرت دارند. در حالی که فقط ۱۳ درصد از زنان اظهار نموده‌اند که در صورت امکان یافتن شغل در خارج بی‌درنگ از کشور مهاجرت می‌کنند، این نسبت در بین مردها ۸ درصد بیشتر است و به ۲۱ درصد می‌رسد.

ضعیف‌تر بودن گرایش زنان، تا حدی تحت تأثیر محدودیت‌های اجتماعی - فرهنگی است که برای خارج شدن آنان از کشور وجود دارد. علاوه بر این، از آن‌جا که در جامعه ایران مسئولیت تأمین معاش بر عهده زنان نیست، این امر باعث می‌شود تمایل آنان برای جستجوی شغل در خارج از کشور (که با دشواری‌های بیشتری همراه است)، ضعیف‌تر از مردان باشد.

- پایگاه: بررسی جداول تقاطعی بیانگر آن است که دانشجویان متعلق به پایگاه بالا (۲۶ درصد) دو برابر دانشجویان متعلق به پایگاه پایین (۱۲ درصد) آمادگی دارند تا برای یافتن شغل به خارج از کشور بروند. به نظر می‌رسد پایگاه اقتصادی - اجتماعی از دو جهت می‌تواند گرایش به مهاجرت را تقویت نماید. برای اشتغال در خارج از کشور غیر از مهارت تخصصی، شرایط دیگری مانند اطلاع از فرصت‌های شغلی موجود در خارج، یک حمایت‌کننده اقتصادی معتبر در کشور مبدأ و مقصد و حتی گاهی وجود اقوام و خویشاوندان ساکن در آن کشور ضروری است. علاوه بر این، انگیزه پیشرفت و میل به ارتقاء، افراد را برای آزمودن فرصت‌های ناشناخته ترغیب می‌کند. افراد دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر به احتمال بیشتر از این ویژگی‌ها برخوردار هستند؛ از این‌رو گرایش قوی‌تر آنان طبیعی به نظر می‌رسد.

- محل مطلوب ادامه تحصیل: در مورد تأثیر محل مطلوب ادامه تحصیل باید به این واقعیت توجه نمود که ۳۱ درصد از افراد علاقه‌مند به تحصیل در خارج از کشور، بیان کرده‌اند که در صورت وجود شرایط مناسب بی‌درنگ مهاجرت خواهند کرد در حالی که فقط ۸ درصد از علاقه‌مندان ادامه تحصیل در ایران نسبت به مهاجرت گرایشی قوی داشته‌اند. می‌توان گفت افرادی که علاقه‌مند به تحصیل در خارج از کشور هستند، از نظر ذهنی برای اشتغال در آن شرایط نیز آمادگی بیشتری پیدا می‌کنند. بنابراین ادامه تحصیل در خارج از کشور می‌تواند در زمره عوامل ترغیب‌کننده فرد به مهاجرت تلقی شود.

رابطه عوامل برانگیزنده و مانع شونده با گرایش بر مهاجرت- در جدول ۴، رابطه عوامل برانگیزنده و مانع شونده با گرایش به مهاجرت بررسی شده است. جدول ۴. بررسی رابطه عوامل برانگیزنده و بازدارنده با گرایش به مهاجرت به خارج از کشور (تعداد پاسخ گویان=۱۵۲۲)

تمایل به مهاجرت (کم، متوسط، زیاد)	متغیرهای مستقل		
میزان و شدت معناداری			
$r = ۰/۱۲ ***$ (N=۱۱۲۴)	شاخص نگرش به افزایش تورم و بیکاری در آینده	نگرش به نظام	عوامل برانگیزنده
$Tc = -۰/۱۸ ***$ (N=۱۲۶۵)	نگرش به رشد صنعت در جامعه (بدتر می شود، بدون تغییر، بهتر می شود)	اقتصادی	
$Tc = ۰/۲۳ ***$ (N=۱۳۷۵)	مقبولیت نظام جمهوری اسلامی (کم، متوسط، زیاد)	نگرش به نظام	عوامل بازدارنده
$r = -۰/۳۴ ***$ (N=۸۵۴)	شاخص رضایت از عملکرد نهادهای حکومتی	سیاسی	
$r = -۰/۲۴ ***$ (N=۱۲۲۹)	شاخص نگرش به ثبات سیاسی		
$r = ۰/۳۰ ***$ (N=۱۳۴۸)	شاخص نگرش به نابسامانی اجتماعی	نگرش به وضعیت اجتماعی	
$Tc = -۰/۱۲ ***$ (N=۱۳۳۸)	آمادگی برای جنگیدن (خیر، نمی دانم ، بله)	هویت ملی	
$Tc = -۰/۱۸ ***$ (N=۱۳۹۸)	افتخار به ایرانی بودن (کم، متوسط، زیاد)		
$r = -۰/۲۶ ***$ (N=۱۲۳۲)	پایبندی دینی (کم، متوسط، زیاد)	دینداری	

(***P < ۰/۰۰۱ ، **P < ۰/۰۱ ، * P < ۰/۰۵)

جدول ۴ نشان می‌دهد، نگرش بدبینانه نسبت به شرایط کنونی یا آتی جامعه، انگیزه افراد را برای مهاجرت تقویت می‌نماید. از طرف دیگر احساس دل‌بستگی و تعلق به جامعه ملی و پایبندی به نظام اعتقادی و فرهنگی جامعه، می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده مهاجرت عمل کند. میزان خطای آماره‌ها در جدول ۴، ۰/۰۰۱ می‌باشد که دلالت بر تأیید فرضیات اصلی تحقیق می‌کند.

برای بررسی دقیق‌تر روابط میان متغیرها، نتایج برگرفته از جداول تقاطعی که در پیوست، ضمیمه شده، گزارش می‌شود.

عوامل ترغیب‌کننده داخلی - پیش‌بینی آینده اقتصاد: نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که رابطه معکوس نگرش به وضعیت آتی اقتصاد جامعه (تورم، بیکاری و صنعت) با گرایش به مهاجرت مورد تأیید است. فقط ۲۲ درصد از افرادی که نسبت به آینده تورم و بیکاری در ایران نگرش بدبینانه‌ای داشته‌اند و معتقد بوده‌اند که تورم و بیکاری افزایش خواهد یافت، اعلام کرده‌اند که حتی‌الامکان به خارج از کشور نمی‌روند. در مقابل، ۴۹ درصد از پاسخ‌گویانی که پیش‌بینی کرده‌اند در آینده تورم و بیکاری کاهش می‌یابد، اظهار نموده‌اند که حتی‌الامکان مهاجرت نخواهند کرد.

در مورد پیش‌بینی توسعه صنعتی کشور نیز همین وضعیت وجود دارد. زیرا ۴۲ درصد از افرادی که نسبت به آینده صنعت کشور اظهار خوش‌بینی کرده‌اند، گرایش ضعیفی به مهاجرت داشته‌اند و اظهار نموده‌اند حتی‌الامکان به خارج مهاجرت نمی‌کنند. این نسبت در بین افرادی که به رشد صنعتی جامعه بدبین بوده‌اند، به ۱۳ درصد می‌رسد.

- نگرش سیاسی: فرضیه دیگری که معطوف به رابطه نگرش به نظام سیاسی و گرایش به مهاجرت است نیز، تأیید شده است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که هر چه از مقبولیت نظام جمهوری اسلامی و میزان رضایت از عملکرد نهادهای حکومتی کاسته شود و هرچه فضاوت در مورد ثبات سیاسی اجتماعی آینده بدبینانه‌تر باشد، گرایش به مهاجرت افزایش می‌یابد.

۳۲ درصد از پاسخ‌گویانی که مقبولیت اندکی برای نظام جمهوری اسلامی قائل بوده‌اند، اظهار کرده‌اند در صورت وجود شرایط مناسب مهاجرت خواهند کرد. این میزان در گروه مقابل، یعنی افرادی که مقبولیت زیادی برای نظام جمهوری اسلامی قائل هستند، به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و به ۹ درصد می‌رسد.

در مورد سایر معرف‌های نگرش به نظام سیاسی نیز همین شرایط وجود دارد. زیرا ۴۲ درصد از افرادی که از عملکرد نهادهای حکومتی در حد اندکی راضی بوده‌اند، اظهار کرده‌اند به خارج از کشور می‌روند. این نسبت در بین پاسخ‌گویانی که از نهادهای یادشده در حد زیاد راضی بوده‌اند، به یک پنجم (۸ درصد) تنزل یافته است. همین نسبت با تفاوتی ناچیز در ارتباط با متغیر پیش‌بینی میزان ثبات سیاسی جامعه در آینده نیز مشاهده می‌شود. به این معنا که ۴۰ درصد از پاسخ‌گویانی که احتمال داده‌اند در آینده، کشور در حد اندکی دارای ثبات خواهد بود، اعلام کرده‌اند که در صورت امکان، بی‌درنگ به خارج مهاجرت می‌کنند. در حالی که فقط ۸ درصد از افرادی که در حد زیادی از نهادهای حکومتی راضی بوده‌اند، اظهار نموده‌اند که بی‌درنگ به خارج مهاجرت می‌کنند.

- شاخص نگرش به نابسامانی اجتماعی نیز با گرایش به مهاجرت همبستگی معناداری دارد. ۳۸ درصد از افرادی که معتقد بودند میزان نابسامانی در جامعه اندک است، بیان کرده‌اند که حتی‌الامکان مهاجرت نخواهند کرد. این نسبت در بین افرادی که جامعه را در حد زیادی نابسامان می‌بینند، ۱۵ درصد است. در واقع، بی‌قاعدگی اجتماعی جامعه را به صورت یک میدان نابسامان جلوه می‌دهد. در نتیجه ارزیابی بدبینانه از وضعیت اجتماعی که می‌تواند یک نوع احساس دل‌سردی و یأس به همراه داشته باشد، گرایش به ترک کشور را تقویت می‌کند.

عوامل بازدارنده - در مورد عوامل بازدارنده نیز نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که تأثیر دل‌بستگی به وطن و آمادگی برای جنگیدن در خدمت کشور با گرایش به مهاجرت همبستگی غیر مستقیم و معناداری دارد.

- جنگیدن برای کشور: حدود ۳۸ درصد از پاسخ‌گویانی که بیان کرده‌اند آماده جنگیدن برای وطن نیستند، اظهار کرده‌اند که در صورت مهیا شدن شرایط مهاجرت خواهند کرد. در صورتی که این میزان در بین افرادی که آماده جنگیدن برای کشور هستند به ۱۳ درصد می‌رسد.

- افتخار به ایرانی بودن: بیش از نیمی (۵۸ درصد) از افرادی که به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند، نسبت به مهاجرت به خارج از کشور گرایش ضعیفی داشته‌اند و اظهار کرده‌اند که حتی الامکان مهاجرت نخواهند کرد. این میزان در بین پاسخ‌گویانی که به ایرانی بودن خود کمتر مباهات می‌کنند، ۲۰ درصد کاهش یافته و به حدود ۳۰ درصد رسیده است. در واقع، می‌توان چنین استنباط نمود که هر چه احساس تعلق به جامعه خودی قوی‌تر باشد، احتمال ترک آن کمتر می‌شود.

- دینداری: در مورد دینداری نیز همین شرایط صادق است. ۳۹ درصد از افرادی که (براساس مقیاس تحقیق) دینداری‌شان ضعیف بوده، اظهار کرده‌اند که به خارج از کشور می‌روند. در حالی که این نسبت در بین افرادی که از میزان دینداری قوی‌تری برخوردارند، به نصف، یعنی ۱۳ درصد می‌رسد. به بیان دیگر، تعلقات دینی مشترک می‌تواند احساس همبستگی به اجتماع مسلمین را تقویت نماید.

تأثیر بازدارنده دینداری بر مهاجرت به دو صورت قابل توضیح است. مهاجرت به خارج از کشور تا حدی ملازم انطباق با شرایط فرهنگی کشور مقصد است. افرادی که به رعایت هنجارها و قواعد دینی در زندگی شخصی خود اهمیت می‌دهند، نسبت به آمیختگی فرهنگی با غیر مسلمانان - به خصوص به خاطر ملاحظات تربیتی فرزندان - با احتیاط برخورد می‌کنند. علاوه بر این، از آنجا که در ایران نظام سیاسی و ارکان اصلی آن، یعنی قوای سه‌گانه و رهبری، از یک زیربنای مذهبی سرچشمه گرفته، احتمالاً گرایش‌های دینی مردم از سطح فردی فراتر رفته و بر ارزیابی آنان از اهداف، برنامه‌ها و عملکرد نظام سیاسی تأثیر می‌گذارد. در جدول ۴، همبستگی معنادار و غیر مستقیم پایبندی دینی با

گرایش به مهاجرت، نشان‌دهنده آن است که افرادی که دارای پایبندی‌های دینی قوی‌تر هستند، گرایش ضعیف‌تری به ترک جامعه خود دارند.

بنابراین، اطلاعات جدول ۳ و ۴، فرضیه‌های تحقیق مبنی بر مؤثر بودن خصوصیات فردی (مرد بودن، دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا بودن و علاقه‌مندی به ادامه تحصیل در خارج از کشور)، عوامل برانگیزنده (نگرش بدبینانه به وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه) و عوامل بازدارنده داخلی (دلبستگی به جامعه و تعهد دینی) را تأیید می‌کند.

بررسی تأثیر هم‌زمان کلیه عوامل - بررسی رگرسیونی کمک می‌کند تا تأثیر متغیرهای مستقل به‌طور یک‌جا و هم‌زمان، بر گرایش به مهاجرت مطالعه شود. به این منظور، از رگرسیون لجستیک چندگانه^۱ استفاده شده است.^۲ این رگرسیون در شرایطی مورد استفاده قرار می‌گیرد که متغیر وابسته، از نوع متغیر اسمی چندطبقه‌ای و متغیرهای مستقل، دارای سطوح سنجش متفاوت (اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای) باشند. از آن‌جا که در رگرسیون اسمی چندگانه مقادیر متغیر وابسته (تمایل به مهاجرت) پیوسته نمی‌باشد، تأثیر کلیه متغیرهای مستقل برای هر یک از طبقات متغیر وابسته به‌طور جداگانه محاسبه می‌شود. نتایج تحلیل‌ها در جدول ۵ منعکس شده است.

1. Multinomial Logistic Regression

۲. در این رگرسیون وزن هر یک از متغیرهای مستقل در تغییر متغیر وابسته با ضریب β نشان داده می‌شود. از آن‌جا که متغیرها در رگرسیون لجستیک دارای سطوح سنجش متفاوت هستند، این ارقام بر مبنای لگاریتمی محاسبه می‌شود. اما به منظور قابل مقایسه شدن آن‌ها با اعداد حقیقی به ضریب $\text{Exp}(\beta)$ تبدیل می‌شوند. در رگرسیون Multinomial، میزان $\text{Exp}(b)$ ، نشانه سهم هر متغیر مستقل در تغییرات متغیر وابسته است. آماره Pseudo R^2 که مشابه ضریب مجذور تعیین در رگرسیون خطی است، قدرت توضیح‌دهندگی کلی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. ضریب مجذور کای دو، بیانگر آن است که با اضافه شدن متغیرهای مستقل، چه میزان تغییر معنادار در مقدار ثابت ایجاد می‌شود. به منظور اطلاع بیشتر مراجعه شود به:

<http://www.cmh.edu/stats/model/logistic.asp> . Guidelines for logistic regression models

جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت

جدول ۵. رگرسیون لجستیک اسمی چندگانه جهت بررسی تأثیر هم‌زمان کلیه متغیرهای مستقل بر تمایل به مهاجرت

تمایل به مهاجرت									متغیرهای مستقل	
بی‌درنگ می‌روم			احتمالاً می‌روم			حتی‌الامکان نمی‌روم				
Exp (b)	SE	b	Exp (b)	SE	b	Exp (b)	SE	b		
۲/۳	۰/۳۲	۰/۸۴ **	۱/۴	۰/۲۵	۰/۴۰	۱/۱	۰/۲۶	۰/۱۶	مرد	جنسیت
-	-	-	-	-	-	-	-	-	زن	
۰/۸۰	۰/۴۸	۰/۲۲ -	۰/۸۵	۰/۳۴	۰/۱۵ -	۲/۴	۰/۳۹	۰/۸۹ **	ایران	ادامه تحصیل
۸/۵	۰/۵۱	۲/۱ ***	۳/۲	۰/۴۱	۱/۱ **	۲/۳	۰/۴۷	۰/۸۵	خارج	در خارج از کشور
-	-	-	-	-	-	-	-	-	نمی‌دانم	
۱/۲	۰/۰۴	۲/۲ ***	۱/۱	۰/۳۶	۰/۱۱ ***	۱/۰	۰/۳۸	۰/۰۷	پایگاه اقتصادی اجتماعی	
۱/۱	۰/۱۷	۰/۱۵	۰/۸۸	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۵۶	۰/۱۸	-۰/۵۷ ***	نگرش بدبینانه به رشد صنعت	
۰/۷۰	۰/۱۸	۰/۳۵ *	۰/۸۵	۰/۱۷	۰/۱۵ -	۱/۵	۰/۲۰	۰/۳۷ *	پایین بودن مقبولیت سیاسی	
۱/۲	۰/۳۸	۰/۲۱ ***	۱/۰	۰/۰۳	۰/۰۸ *	۰/۹۶	۰/۳۲	-۰/۰۴	شاخص نگرش به نابسامانی اجتماعی	
-۶/۱**			-۱/۰۶			-۰/۱۲			مقدار ثابت (Intercept)	
N = 858 Chi-squar = 340 df = 21 Pseudo R-squar (Nagelkerke) = 35/0										

(***P < ۰/۰۰۱ , **P < ۰/۰۱ , * P < ۰/۰۵)

بر اساس قرارداد، در رگرسیون لجستیک اسمی چندگانه در متغیرهای اسمی بیشترین ارزش به‌عنوان ملاک مقایسه در نظر گرفته می‌شود. به این جهت در متغیر جنس به مرد کد ۱ و به زن کد ۲ داده شده تا گرایش به مهاجرت مردها نسبت به زن‌ها مقایسه شود. متغیر

جنس به این دلیل به این ترتیب کدگذاری شد که بررسی روابط میان متغیرها نیز نشان داد که اساساً مردها بیش از زن‌ها به مهاجرت به خارج از کشور تمایل دارند. بر همین اساس، در متغیر محل مطلوب ادامه تحصیل نیز به ایران کد ۱، به خارج کد ۲ و به نمی‌دانم کد ۳ داده شد. همچنین در مورد گرایش به مهاجرت به «حتی‌الامکان نمی‌روم» (گرایش ضعیف) کد ۱، «احتمالاً می‌روم» (گرایش متوسط) کد ۲ و «بی‌درنگ می‌روم» (گرایش قوی) کد ۳ داده شد و به «نمی‌دانم» که مبنای مقایسه قرار گرفته، کد ۴ داده شده است.

به‌طور کلی، ضریب Nagelkerke که کارکردی مشابه ضریب تعیین مجذور در رگرسیون خطی دارد، نشان می‌دهد، در مجموع $0/35$ تغییرات تمایل به مهاجرت توسط ترکیبی از ۶ متغیر جنسیت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده، گرایش به ادامه تحصیل در خارج از کشور، مقبولیت نظام سیاسی، نگرش بدبینانه به آینده صنعت و نگرش به نابسامانی اجتماعی، توضیح داده می‌شود. باقی‌مانده $0/65$ تغییرات، توسط متغیرهای دیگری (عوامل برانگیزنده و مانع‌شونده در خارج از کشور) که در این مطالعه بررسی نشده‌اند، تبیین می‌شود. همچنین لازم به تذکر است که برخی از متغیرهای مستقل، مانند نگرش به بیکاری و تورم، نارضایتی از نظام سیاسی، دینداری و مؤلفه‌های هویت ملی، هر چند در بررسی روابط دو به دو دارای همبستگی قابل ملاحظه‌ای با تمایل به مهاجرت بوده‌اند، اما در معادله رگرسیون وارد نشده‌اند. این امر ممکن است از چند علت سرچشمه گرفته باشد. در مورد بیرون ماندن شاخص نگرش به تورم و بیکاری، شاید چنین باشد که نگرش به آینده صنعت برای سنجش گرایش‌های اقتصادی معرف دقیق‌تری باشد. زیرا رشد صنعت در حد قابل ملاحظه‌ای موجب تعدیل بیکاری و تورم نیز خواهد شد.

به علاوه، ممکن است شاخص نگرش به وضعیت تورم و بیکاری، به دلیل همبستگی قابل ملاحظه‌ای که با متغیر نگرش به آینده صنعت ($r = 0/22$ $p = 0/000$) دارد، از معادله رگرسیون حذف شده باشد. همچنین وارد نشدن دو متغیر رضایت سیاسی و نگرش به ثبات سیاسی-اجتماعی، می‌تواند به این جهت باشد که متغیر مقبولیت نظام سیاسی (نسبت به دو شاخص فوق که متشکل از معرف‌ها و مقولات متفاوت است) دارای صراحت و

شفافیت بیشتری در بازنمایی گرایش سیاسی افراد است. از طرف دیگر این مسئله ممکن است تحت تأثیر همبستگی میان متغیرهای مستقل باشد. به منظور بررسی صحت این گمانه از همبستگی تفکیکی استفاده شد.

در مورد دو مؤلفه هویت ملی و هویت دینی، از آنجا که این دو عامل، جزء مبانی اساسی فکری هر فرد محسوب می‌شود، احتمال دارد به‌عنوان یک متغیر زیرین، به‌طور غیر مستقیم بر نگرش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی افراد تأثیر داشته باشند. به منظور ارزیابی صحت این احتمال، رابطه مقبولیت نظام جمهوری اسلامی، نگرش به رشد صنعت و نگرش به نابسامانی اجتماعی با متغیر وابسته، یعنی تمایل به مهاجرت با تجزیه نقش دینداری، افتخار به ایرانی بودن و آمادگی برای جنگیدن، مورد بررسی قرار گرفت.

با تفکیک هر یک از این سه متغیر به وسیله همبستگی تفکیکی، میزان همبستگی‌ها تا حدود ۰/۲۰ کاهش یافت. بنابراین، هر چند که تأثیر هویت ملی و پایبندی دینی به‌خاطر حضور جمعی کلیه متغیرها در معادله رگرسیون خنثی شده است اما این دو متغیر از طریق نفوذ و مداخله در نگرش‌ها و گرایش‌ها، بر تمایل افراد به مهاجرت تأثیر می‌گذارند. در چنین شرایطی، وجود یک نظریه منسجم که در مورد روابط میان متغیرها توضیح دهد، بسیار روشن‌گر خواهد بود. با تکیه بر چنان بنیان نظری امکان استفاده از روش تحلیل عاملی میسر می‌شود. در این صورت می‌توان از جهت آماری نیز تقدم و تأخر متغیرها را مشخص نمود.

تحلیل و نتیجه‌گیری

میل به پیشرفت و دستیابی به امور ارزشمند، انسان را به جستجوی فرصت‌هایی فراتر از امکانات موجود ترغیب می‌کند. روند تاریخی پدیده فرار مغزها مبین آن است که این فرایند تاکنون رشدی فزاینده داشته و احتمالاً در آینده نیز چنین خواهد بود. به دلیل کاهش شدید نرخ باروری، جمعیت جوان کشورهای پیشرفته کاهش می‌یابد. بنابراین، تعداد

جوانان بومی علاقه‌مند به تحصیلات دانشگاهی آن اندازه نخواهد بود که این کشورها بتوانند نیروی انسانی مورد نیاز خود را بپرورانند. برای این کشورها بهترین راه، استفاده از جوانان کشورهای دیگر است که تحصیلات عالی را در زاد و بوم خود گذرانده‌اند (ارشاد، ۱۳۸۳: ۳۷۳).

پدیده جهانی شدن و دسترسی آسان به اطلاعات، تحقق این هدف را ساده‌تر کرده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که فقط ۲۴ درصد از دانشجویان به اشتغال در خارج از کشور تمایل ندارند. نتیجه بررسی تأثیر عوامل شخصی، حاکی از آن است که گرایش به مهاجرت در بین دانشجویان مرد، افراد متعلق به پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا و علاقه‌مندان به تحصیل در خارج از کشور، بیش از گروه مقابل است. از بین عوامل داخلی نیز نگرش بدبینانه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأثیر مستقیمی بر تمایل به مهاجرت دارد. همچنین نقش بازدارنده احساس تعلق به جامعه ملی و پایبندی دینی تأیید می‌شود. بنابراین، همان‌طور که مطالعات دیگر نیز نشان داده‌اند، در زمینه مهاجرت مغزها، ملاحظات اقتصادی تنها ملاحظات مطرح نیستند، بلکه انسان‌ها خواهان زندگی رضایت‌بخش و خرسندکننده در همه ابعاد آن هستند (عسگری و همکاران، ۱۳۷۶: ۴۱).

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در جامعه‌ای مانند ایران، عوامل سیاسی، اجتماعی به اندازه عوامل اقتصادی بر تمایلات و انگیزه‌های افراد نفوذ دارند. یافته‌های پژوهش چلبی و عباسی مؤید نتایج تحقیق حاضر است. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که دلایل عمده مهاجرت نخبگان ایرانی، آزادی با معنی خاص، درآمد مکفی و فرصت‌های علمی و فرهنگی بوده است. در مقابل شاید عمده‌ترین دلیل نخبگانی که در ایران مانده‌اند، وطن‌پرستی باشد (چلبی، ۱۳۸۳: ۳۳).

بنابراین، به منظور کاهش مهاجرت دانش‌آموختگان، اتخاذ سیاست‌هایی که فقط به اصلاح شرایط اقتصادی کمک کند، چندان کارساز نخواهد بود. به منظور کنترل روند مهاجرت مغزها، نه تنها لازم است مشکلات و تنگناهای اقتصادی با استفاده از برنامه‌ریزی‌های همه‌جانبه، کاهش یابد و فرصت‌های شغلی برای جذب دانش‌آموختگان

دانشگاه‌ها فراهم آید، بلکه شایسته است در مورد آشفته‌گی‌های سیاسی-اجتماعی که موجب نارضایتی می‌شود و تعلق خاطر به اجتماع ملی را کاهش می‌دهد، اصلاحاتی صورت گیرد. بدون فراهم آمدن شرایطی که موجب تقویت نگرش مثبت دانش‌آموختگان به نظام سیاسی و اجتماعی شود و در نتیجه مشارکت آنان در برنامه‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی ملی را تسهیل نماید، کنترل فرایند مهاجرت نیروی متخصص امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، برنامه‌ریزی اصولی برای مهار و کنترل مهاجرت دانش‌آموختگان، صرفاً در چارچوب طرح‌های کلان اصلاح ساختاری قابل اجرا است.

پی‌نوشت

اطلاعات این مقاله از طرح «سنجش گرایش‌ها، رفتار، آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی» به سفارش «دفتر مطالعات و تحقیقات معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» در سال ۱۳۸۰ که توسط دکتر سید حسین سراج‌زاده انجام شده، به‌دست آمده است. نتایج این طرح توسط آن مرکز در دست انتشار است.

منابع

- آراسته، حمید (۱۳۸۰) بررسی رضایت شغلی و عوامل مهاجرت اعضای هیئت علمی فارغ‌التحصیل خارج از کشور، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۳) مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل‌گیری الگوهای مختلف آن در شرایط کنونی، در مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، شماره ۵، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.

چلبی، مسعود و رسول عباسی (۱۳۸۳) «تحلیل تطبیقی فرار مغزها در سطوح خرد و کلان»، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۴۲-۴۱: ۱۳-۳۶.

زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰) مهاجرت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی. سراج‌زاده، سیدحسین و فاطمه جواهری (۱۳۸۲) نگرش‌ها، آگاهی‌ها و رفتار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

شریفی، منصور (۱۳۷۶) «بررسی گرایش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تهران به مهاجرت از کشور» پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. طلوع شیخ‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۷۹) فرار مغزها، جذب مغزها، گردش مغزها، تهران: مرکز تحقیقات علمی کشور.

طوسی، محمدرضا (۱۳۸۰) «بررسی نقش برخی از پارامترهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی بر روند مهاجرت مغزها» پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی سیستم‌های اقتصادی اجتماعی، مؤسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی و توسعه.

ذاکرحالچی، غلامرضا (۱۳۸۳) مهاجرت نخبگان، در دایره المعارف آموزش عالی، ج ۲، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

قانع‌راد، محمدمین (۱۳۸۱) «نهادی شدن علم، نگهداری و استقرار مغزها»، رهیافت، شماره ۲۸. عباسی، رسول (۱۳۸۲) «بررسی جامعه‌شناختی گردش نیروی کار ماهر در سطح بین‌المللی با تأکید بر پیمایشی در زمینه فرار مغزها از ایران» پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

عبداللهی، محمد (بی‌تا)، هویت جمعی دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران، در نامه انجمن جامعه‌شناسی مجموعه مقالات، شماره ۱.

عسکری، حسین، کامینگز جان توماس، شیائوهانگ وای و سایر همکاران (۱۳۷۶) انتقال معکوس تکنولوژی، ترجمه مجید محمدی، تهران: سیمین.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸) نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید.

فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- Baron, Robert, A. (1997) *Social Psychology*, USA: A Viacom Company.
- Bosch, Xavier (2003) *Brain Drain Robbing Europe of its Brightest Young Scientist*, London: Vol. 361, Iss. 9376, pp: 2210.
[http://proquest.umi.com/pqdweb?index=8&did=000000357488491&SrchMode=1&si\(2004/12/01\)](http://proquest.umi.com/pqdweb?index=8&did=000000357488491&SrchMode=1&si(2004/12/01))
- Borgatta, Edgar, F. & Montgomery Rhonda J.V (2000) *Encyclopedia of Sociology*; USA: McMillan.
- Diykink, Gertjan (1996) *National Identity & Geopolitical Visions Maps of Pride & Pain*, London & New York: Routledge.
- Fisk, Susan, T. & Taylor Shelly E. (1991) *Social Cognition*, Singapore: McGraw-Hill International Editions .
- Ghosh, B., N. & Ghosh Roma (1983) *Economics of Brain Migration*, India: Deep & Deep Publications.
- Henslin, James, M. (1996) *Essentials of Sociology A Down - to - Earth Approach*, USA: Allyn & Bacon Inc.
- Manda, Gilbert (2004) *Brain Drain or Brain Gain?*, New African, Issue 435.
<http://search.epnet.com/login.aspx?direct=true&AuthType=cookie,ip,url,uid&db=aph&an=15270122> (2005/01/05)
- Marshall, Gordon (1994) *Oxford Concise Dictionary of Sociology*, New York: Oxford University Press.
- Mitchell, Duncan (1981) *A New Dictionary of Sociology*, United Kingdom: Routledge & Kegan Paul.
- Parnwell, Mike (1993) *Population Movements and the Third World*, Routledge: London & New York.
- Stark, Oded (2004) "Rethinking the Brain Drain , World Development", *Great Britain*, 32: 15-22. <http://www.elsevier.com/locate/Worlddev>.

پیوست

جدول پیوست ۱. رابطه جنس، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، محل مطلوب ادامه تحصیل

با گرایش به مهاجرت (تعداد پاسخ گو = ۱۵۲۲)

آزمون معناداری رابطه	گرایش به مهاجرت			متغیرهای مستقل	
	بی درنگ می روم	به طور مشروط می روم	حتی الامکان نمی روم		
$X^2=23/2$ ***	۱۳/۰	۵۸/۶	۲۸/۴	زن	جنس
	۲۱/۳	۵۸/۵	۲۰/۲	مرد	
$X^2=16/4$ **	۱۲/۱	۶۱/۲	۲۶/۶	پایین	پایگاه اقتصادی اجتماعی
	۱۸/۷	۵۶/۶	۲۴/۷	متوسط	
	۲۵/۹	۵۵/۴	۱۸/۷	بالا	
$X^2=16/5$ ***	۷/۹	۵۵/۶	۳۶/۵	ایران	محل مطلوب ادامه تحصیل
	۱۱/۹	۷۰/۶	۱۷/۵	نمی دانم	
	۳۰/۷	۵۹/۲	۱۰/۱	خارج از کشور	

جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت

جدول پیوست ۲. رابطه گرایش به مهاجرت و عوامل برانگیزنده (تعداد پاسخگو = ۱۵۲۲)

آزمون معناداری رابطه	گرایش به مهاجرت			متغیرهای مستقل	
	بی‌درنگ می‌روم	به‌طور مشروط می‌روم	حتی‌الامکان نمی‌روم		
$X^2=22/3$ **	۲/۶	۴۸/۷	۴۸/۷	خوش‌بینانه	شاخص نگرش به آینده تورم و بیکاری
	۱۷/۰	۵۲/۷	۳۰/۳	بینابین	
	۱۹/۰	۵۹/۱	۲۱/۹	بدبینانه	
$X^2=94/3$ ***	۸/۴	۴۹/۲	۴۲/۲	بهتر می‌شود	شاخص نگرش به آینده صنعت
	۲۵/۳	۵۹/۳	۱۵/۴	فرقی نمی‌کند	
	۲۸/۵	۵۷/۷	۱۳/۶	بدتر می‌شود	
$X^2=144$ ***	۱۱/۴	۵۶/۴	۳۲/۲	کم	مقبولیت سیاسی نظام
	۲۲/۵	۶۳/۷	۱۳/۸	متوسط	
	۴۹/۴	۴۱/۶	۹/۰	زیاد	
$X^2=63/1$ ***	۳۹/۸	۵۲/۰	۸/۲	کم	شاخص ثبات سیاسی کشور در آینده
	۱۸/۶	۵۹/۴	۲۱/۹	متوسط	
	۸/۵	۵۶/۵	۳۵/۰	زیاد	
$X^2=74/9$ ***	۴۱/۷	۴۹/۲	۹/۲	کم	شاخص رضایت از عملکرد نهادهای حکومتی
	۱۶/۹	۵۸/۹	۲۴/۳	متوسط	
	۸/۸	۵۲/۱	۲۵/۵	زیاد	
$X^2=100$ ***	۳۸/۶	۵۲/۸	۳۲/۲	کم	شاخص نابسامانی اجتماعی
	۲۲/۹	۶۱/۹	۱۵/۲	متوسط	
	۳۸/۶	۵۵/۸	۵/۶	زیاد	

جدول پیوست ۳. رابطه گرایش به مهاجرت با عوامل مانع‌شونده (تعداد پاسخ‌گویان=۱۵۲۲)

آزمون معناداری رابطه	گرایش به مهاجرت			متغیرهای مستقل	
	بی‌درنگ می‌روم	به‌طور مشروط می‌روم	حتی‌الامکان نمی‌روم		
$X^2=99/8$ ***	۱۲/۹	۵۷/۵	۲۹/۶	بله	آمادگی جنگیدن برای کشور
	۱۵/۶	۶۴/۲	۲۰/۲	نمی‌دانم	
	۳۷/۹	۵۱/۳	۱۰/۸	خیر	
$X^2=93/8$ ***	۳۰/۰	۵۴/۰	۱۰/۰	کم	افتخار به ایرانی بودن
	۱۴/۴	۵۹/۱	۲۶/۵	متوسط	
	۵/۳	۳۶/۸	۵۷/۹	زیاد	
$X^2=69/5$ ***	۳۸/۹	۵۰/۰	۱۱/۱	کم	شاخص دینداری
	۳۳/۱	۵۳/۸	۱۳/۱	متوسط	
	۱۳/۰	۵۹/۵	۲۷/۶	زیاد	